

## مطالعه نقش کیفیت حکمرانی خوب در رفاه عمومی (مورد مطالعه: کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه)

سیدعباسی کریم‌پور<sup>۱</sup>

صمد عابدینی<sup>۲</sup>

اقباله عزیزخانی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۸/۱۵

### چکیده

یکی از عوامل ایجاد کننده تمایز در بین کشورها، شاخص رفاه است. ارتقای رفاه عمومی یا ملی تحت تاثیر عواملی مختلفی قرار دارد. در رویکردهای جدید توسعه، برای بهبود رفاه ملی، الگوی حکمرانی خوب مطرح شده است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر مطالعه تاثیر حکمرانی خوب بر رفاه ملی است. روش تحقیق، تحلیل ثانویه است و از داده‌های موجود حکمرانی خوب بانک جهانی و شاخص رفاه لگاتیم استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی (۴۱ کشور) و عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۲۹ کشور) است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS و آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در کشورهای عضو همکاری اسلامی و عضو همکاری اقتصادی و توسعه بین حکمرانی خوب و رفاه ملی همبستگی معنادار مستقیمی وجود دارد؛ به طوری که شدت همبستگی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بیشتر از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی است. همچنین پس از کنترل هم‌خطی بین ابعاد حکمرانی خوب، در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از بین ابعاد شش‌گانه متغیر حکمرانی خوب، ابعاد کنترل فساد و کیفیت قوانین و مقررات تاثیر معنادار مستقیمی بر رفاه ملی دارد؛ به طوری که این دو متغیر توانسته‌اند ۹۰ درصد از تغییرات رفاه ملی را تبیین کنند. اما در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، فقط بعد کارآمدی و اثربخشی دولت توانسته است تاثیر معنادار مستقیمی بر رفاه ملی داشته باشد. همچنین کارآمدی و اثربخشی دولت با توجه به ضریب تبیین به دست آمده توانسته است ۷۴ درصد از تغییرات رفاه ملی را تبیین کند. واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، رفاه عمومی، سازمان همکاری اسلامی، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال- ایران.

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال- ایران. (نویسنده مسئول)

E- mail: samadabedini@aukh.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال- ایران.

## مقدمه

امروزه از شاخص تولید ناخالص داخلی به طور گسترده‌ای برای ارزیابی رشد و رفاه کشورها استفاده می‌شود، با این حال، بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، تولید ناخالص داخلی را شاخص مناسبی برای برآورد رفاه کشورها نمی‌دانند. در واقع، برای مدت‌های مدیدی تولید ناخالص داخلی به عنوان یگانه ابزار سنجش رفاه به کار می‌رفت. نارضایتی از این شاخص و اشکالات فراوان وارد بر آن به پژوهش‌هایی برای سنجش بهتر رفاه منتهی شد. به طوری که امروزه تمایل به استفاده از شاخص‌های کامل‌تری که متغیرهایی هم‌چون سلامت، امنیت، کیفیت زندگی، سرمایه اجتماعی، آموزش و غیره را نیز در بر می‌گیرند، بیشتر شده است.

در عصر حاضر، تصور داشتن جامعه‌ای پویا بدون نظام کارآمد رفاه، بسیار دشوار است. داشتن رفاه باعث ایجاد آرامش خاطر و عزت نفس در فرد و جامعه، بالا رفتن ضریب بهره‌وری، فراهم کردن زمینه مناسب برای تحقق رشد و توسعه پایدار، تحقق عدالت اجتماعی و کسب جایگاه بهتر در جامعه جهانی برای کشورها می‌شود. در این راستا، یکی از دغدغه‌های مشترک اندیشمندان علوم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بررسی تفاوت‌ها و وجوه تمایز کشورها می‌باشد. یکی از عوامل ایجاد کننده تمایز در بین کشورها، وضعیت رفاه است. تأمین رفاه از گذشته یکی از ارکان امنیت ملی کشورها محسوب شده و میزان توفیق دولت‌ها برای حصول هدف مذکور، به عنوان یکی از مولفه‌های قدرت آن‌ها تلقی می‌شود؛ به طوری که تحقق زندگی خوب جز وظایف اصلی دولت‌ها می‌باشد (دانکن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۱۶۷). ضمن آن که به بالا رفتن استانداردهای زندگی و دسترسی به امکانات بیشتر، مفهوم رفاه اهمیت فزاینده‌ای یافته است.

تأملی بر تفاوت‌های موجود میان کشورها بیانگر آن است که بعضی از تفاوت‌ها نظیر تفاوت در تولید ملی، آموزش، بهداشت و غیره جنبه کمی داشته و به عنوان رفاه عینی شناخته می‌شود، در عین حال بعضی تفاوت‌ها نظیر خوشبختی، دلالت بر رفاه ذهنی یا روانی تجربه شده به وسیله افراد دارد. لازم به ذکر است که تفاوت در سطح رفاه کشورها می‌تواند ناشی از تفاوت در سیستم‌های اداره کشورها و کیفیت متفاوت خدمات دولتی باشد. دولت به عنوان یک عنصر اجتماعی نهادساز در عملکرد مناسب بازارها، توزیع عادلانه درآمدها و ایجاد نهادهای کارآمد نقش مهمی ایفا می‌کند، به نحوی که زمینه‌ساز رشد اقتصادی می‌شود (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶). اجرای موفقیت‌آمیز این وظایف تحت عنوان حکمرانی خوب شناخته می‌شود. در این راستا، در بیانیه‌های رسمی موسسات بین‌المللی هم‌چون سازمان ملل بر نقش حکمرانی خوب و کارکرد مطلوب دولت برای کاهش یا از بین بردن محرومیت، آسیب‌پذیری، فقر و افزایش رفاه افراد و کشورها تأکید شده است. گزارش آژانس توسعه بین‌المللی<sup>۲</sup> نیز به عنوان یک مرجع رسمی و تخصصی جهت دستیابی به رفاه و توسعه بر نقش آموزش، مردم‌سالاری و حکمرانی تأکید کرده

<sup>۱</sup>. Duncan

<sup>۲</sup>. USAID

و شیوه حکمرانی کشورهای مختلف را پیش فرض اصلی توسعه اجتماعی - اقتصادی می‌داند (شاه‌آبادی و پورجوان، ۱۳۹۱: ۵۵).

از سوی دیگر، در اواسط سال ۱۹۹۰ گفتمان رایج و تخصصی بین‌المللی علاقه تازه‌ای به نقش نهادها در تغییرات اجتماعی - اقتصادی نشان داد و عوامل نهادی و حکمرانی را عامل تعیین کننده دست-یابی به رفاه و توسعه (پورجوان، ۱۳۸۹)، و به بیان دیگر، دولت و حکمرانی مطلوب را کارگزار اصلی توسعه و رفاه معرفی نمود (ابراهیم‌بای سلامی، ۱۳۸۶: ۱۵۲). هم‌چنین، اقتصاددانان نهادگرای جدید کیفیت نهادهای رسمی و غیررسمی کشورها را به عنوان مهم‌ترین موانع و محرک‌های توسعه و رفاه قلمداد می‌کنند. به طور کلی، حکمرانی مطلوب فضای نهادی‌ای را شامل می‌شود که در آن افراد با سازمان‌های دولتی یا مقامات تعامل دارند. این رویکرد نظام‌مند، درک عملکرد و کارکرد ساز و کارهای مختلف را از طریق روابط درون‌بخشی در بین حوزه‌های قابل شناسایی و نه فقط هر بخش به صورت مجزا بهبود می‌بخشد و نقش اساسی در نیل به اهداف رفاه و توسعه خواهد داشت (شاه‌آبادی و پورجوان، ۱۳۹۱: ۵۸). داده‌های سازمان‌های مختلف هم‌چون موسسه لگاتیم<sup>۱</sup> در زمینه رفاه ملی کشورها بیانگر آن است که در کشورهای در حال توسعه (هم‌چون کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی) میزان رفاه پایین‌تر از کشورهای توسعه‌یافته (هم‌چون کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه) است. در این زمینه، شارما<sup>۲</sup> (۲۰۰۷)، فقدان نهادی را مهم‌ترین ویژگی بسیاری از کشورها در حال توسعه می‌داند. زیرا حکمرانی ضعیف و خودسرانه و هم‌چنین چارچوب نظارتی، تنظیم‌گری و قانون ناکافی، این کشورها را از سرمایه‌گذاری مولد مورد نیاز برای توسعه و رفاه همگانی محروم کرده است.

حال با توجه به گفته‌های فوق، مهم‌ترین پرسش‌هایی که مطرح می‌شود این است که آیا پایین بودن رفاه ملی در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی و بالا بودن آن در میان کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه ارتباطی با کیفیت الگوی حکمرانی این کشورها دارد؟ هم‌چنین از میان مولفه‌های مختلف حکمرانی خوب کدام مولفه‌ها بیشترین ارتباط را با رفاه ملی در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه دارند؟ بنابراین، هدف پژوهش حاضر مطالعه تاثیر حکمرانی خوب بر رفاه ملی در بین کشورهای مذکور است تا از این طریق بتواند تبیین مناسبی برای پرسش پژوهش به دست آورد. هم‌چنین، با توجه به این که یکی از جنبه‌های مغفول پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه عوامل تأثیرگذار بر ارتقای رفاه ملی، کیفیت الگوی حکمرانی می‌باشد، از این رو در پژوهش حاضر، سعی بر جبران بی‌توجهی‌های گذشته در این زمینه شده است.

<sup>۱</sup>. Legatum

<sup>۲</sup>. Sharma

## پیشینه پژوهش

یافته‌های شاه‌آبادی و پورجوان (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «رابطه حکمرانی خوب با شاخص‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی کشورهای برگزیده»، نشان می‌دهد که بهبود شاخص‌های حکمرانی همچون شفافیت، پاسخگویی، مردم‌سالاری، آزادی بیان، ثبات سیاسی و فرایندهای انتخاباتی منظم، اثربخشی سیاست‌های کلان و خدمات عمومی، مقررات با کیفیت و تنظیم‌گری دقیق، حمایت از حقوق مالکیت فیزیکی و معنوی و همچنین کنترل فساد در کشورهای مورد بررسی (۳۵ کشور منتخب از آسیای جنوب شرقی، غرب آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا) می‌تواند اثرات معناداری بر ارتقاء شاخص‌های توسعه از قبیل درآمد سرانه بالاتر، امید به زندگی بالاتر، سطح بهداشت و سلامت بالاتر، گسترش فناوری اطلاعات در جامعه، آموزش عمومی و تخصصی مطلوب‌تر، نرخ باروری کمتر زنان، نرخ مرگ و میر کمتر کودکان، نرخ بیکاری پایین‌تر و افزایش رفاه اجتماعی داشته باشد.

نتایج پژوهش دانایی‌فرد و همکاران (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «تحول در رفاه عمومی؛ آیا حکمرانی خوب نقش مهمی ایفا می‌کند؟»، نشان می‌دهد که بهبود مولفه‌های حکمرانی خوب منجر به ارتقاء رفاه ملی می‌شود. ضمن آن که ارتقاء حکمرانی خوب زمینه ارتقاء رفاه را از جهات کمی نظیر تولید ناخالص داخلی، آموزش، پژوهش، بهداشت و ... از یک طرف و از جنبه‌های کیفی نظیر خوشبختی فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، ارتقاء حکمرانی خوب پیامدهای دو منظوره‌ای نظیر بهبود شاخص‌های کمی همچون تولید ملی و تقویت شاخص‌های کیفی نظیر کاهش هزینه‌های اجتماعی رشد اقتصادی، حفظ منابع برای آیندگان و تداوم رشد را به همراه دارد.

یافته‌های پژوهش محمدی و محدودی (۱۳۹۷)، در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی نقش متغیرهای مؤثر بر شاخص رفاه مؤسسه لگاتیوم با رویکرد لاجیت ترتیبی»، بیانگر آن است که شاخص‌های اقتصادی، کارآفرینی، حکومت، سلامت و سرمایه‌های اجتماعی اثر مثبت و معناداری بر شاخص رفاه دارند. همچنین مقدار اثر نهایی در زیر شاخص سلامت دارای بیشترین مقدار است و نشان می‌دهد که توجه کشورها به این زیر شاخص، جهت افزایش رفاه کلی یک جامعه از اهمیت بیشتری برخوردار است.

یافته‌های پژوهشگرانی چون چیما و مگویر<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، واگنر<sup>۲</sup> (۲۰۰۴)، دیاموند<sup>۳</sup> (۲۰۰۵)، شارما (۲۰۰۷)، تامسون<sup>۴</sup> (۲۰۰۷)، محمد و استروبل<sup>۵</sup> (۲۰۰۹)، و یائو<sup>۶</sup> و همکارانش (۲۰۰۹)، بیانگر آن است که حکمرانی خوب و مولفه‌های آن (شفافیت، دسترسی به اطلاعات و پاسخگویی دولت در قبال شهروندان از طریق

1. Cheema & Maguire

2. Wagener

3. Diamond

4. Thompson

5. Mohammed & Stroble

6. Yao

مطبوعات آزاد، کارآیی و اثربخشی در مدیریت کشوری و قانون‌مداری) نقش مهمی در ریشه کردن فقر و افزایش رفاه جوامع دارد.

یافته‌های هلیول<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۱۴)، در مطالعه‌ای با عنوان «حکمرانی خوب و رفاه ملی»، بیانگر آن است که بین کیفیت حکمرانی خوب با رفاه ملی همبستگی مستقیمی وجود دارد؛ به طوری که با افزایش کیفیت حکمرانی خوب در کشورها، میزان رفاه ملی نیز افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، آن‌ها نتیجه گرفتند که با تغییر کیفیت حکمرانی خوب در کشورها، به تدریج نهادهای اجتماعی و اقتصادی اثرات محدودی بر فرایند توسعه و رفاه خواهند داشت.

یافته‌های لیتلو<sup>۲</sup> و همکارانش (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان «رفاه و مدیریت شهری: چه کسی در شهرک‌های غیررسمی بنگلادش شکست خورده، زنده مانده و یا شکوفا می‌شود؟»، بیانگر آن است که الگوی حکمرانی خوب شهری (پاسخگویی، شفافیت در کارها، قانون‌مداری) و تقویت آن نقش مهمی در افزایش رفاه ساکنان سکونتگاه‌ها یا شهرک‌های غیررسمی می‌تواند داشته باشد.

یافته‌های پژوهش هلیول و همکارانش (۲۰۱۸)، در مطالعه‌ای با عنوان «پیوندهای تجربی بین حکمرانی خوب و رفاه ملی»، بیانگر آن است که کیفیت ارائه خدمات حکومت نقش مهمی در حمایت از زندگی بهتر مردم و رفاه اجتماعی دارد. هم‌چنین آن‌ها به این نتیجه رسیدند که کیفیت ارائه خدمات به طور کلی بر کیفیت دموکراتیک در حمایت از زندگی بهتر غلبه دارد تا زمانی که کیفیت ارائه به سطح کافی برسد. با پیشروی توسعه، اوضاع تغییر می‌کند و کیفیت دموکراتیک تأثیر مثبتی را در کشورهایی نشان می‌دهد که قبلاً کیفیت بالاتری در ارائه خدمات داشته‌اند.

یافته‌های تسگاو<sup>۳</sup> (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان «رابطه بین شاخص‌های حکمرانی خوب و شاخص توسعه انسانی در آفریقا: یک تحلیل اقتصادسنجی»، بیانگر آن است که از میان شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب بانک جهانی، مولفه‌های حاکمیت قانون، ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت به طور معنادار و مستقیمی با شاخص توسعه انسانی ارتباط دارند. این یافته حاکی از آن است که سیاست‌گذاران در کشورهای آفریقایی باید بر این سه شاخص حکمرانی خوب تأکید کنند تا تلاش‌های انسانی خود را تقویت کنند.

### مبانی نظری

حکمرانی خوب برای اولین بار در سندی از بانک جهانی با عنوان «آفریقای زیر صحرا، از بحران تا رشد پایدار» در سال ۱۹۸۹ عنوان شده است. در این سند مفهوم حکمرانی خوب با انواع سیاست‌های تحول ساختاری که برای سالیان طولانی مورد توجه بانک جهانی بود، مرتبط شده است. سیاست‌هایی چون، کاهش مداخله دولت در تصمیمات اقتصادی، کوچک‌سازی بخش عمومی و شفاف‌سازی و کارآمد-

<sup>1</sup>. Helliwell

<sup>2</sup>. Lintelo

<sup>3</sup>. Tsegaw

سازی دیوان‌سالاری دولتی، بازار آزاد و حذف یارانه‌های غیرضروری و تغییر این فرایند با اقتصاد جهانی. همچنین این بانک در جایی دیگر، حکمرانی خوب را به‌عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف نموده است (یعقوبی، ۱۳۹۵: ۱۰۱).

حکمرانی روش به کارگیری توانایی و قدرت مردم به معنی سیاست‌سازی و عمل به سیاست‌ها و تصمیم‌گیری عمومی است. به بیان دیگر، حکمرانی مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند. در واقع، حکمرانی فرایندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا متنوع همساز شده و اقدام همکاری‌جویانه اتخاذ می‌گردد. حکمرانی شامل نهادهای رسمی و نظام‌هایی است که برای تضمین رعایت قانون، قدرت پیدا کرده‌اند، همچنین قراردادهای غیررسمی که مردم و نهادها بر سر آن توافق نموده یا درک می‌کنند که به نفع آن‌ها است (عباسی، ۱۳۹۲: ۷۲). بر اساس تعریف کافمن و انگلندر<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)، حکمرانی عبارت است از فرایندها و نهادهایی که به موجب آن‌ها، اقتدار در یک کشور اعمال می‌شود. حکمرانی، مکانیسم‌ها، فرایندها، نهادهایی را شامل می‌شود که از طریق آن‌ها، شهروندان و گروه‌ها علایق خود را ابراز نموده، اختلاف‌هایشان را حل و فصل می‌کنند و از حقوق و الزامات قانونی خود بهره‌مند می‌شوند.

حکمرانی خوب مفهومی است که دارای شاخص‌های متعددی است. سازمان‌ها و اندیشمندان مختلف برای حکمرانی خوب شاخص‌های متفاوتی را در نظر گرفته‌اند. با این حال، بانک جهانی معتبرترین و شناخته‌ترین نهادی است که داده‌های مربوط به حکمرانی خوب را منتشر می‌کند. این بانک برای حکمرانی خوب شش مولفه در نظر گرفته است. این شش مولفه عبارتند از: حق اظهار نظر و پاسخگویی، کارآمدی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون یا قانون‌مداری، ثبات سیاسی و عدم خشونت، و کنترل فساد (کافمن و همکاران، ۲۰۰۸).

حق اظهار نظر و پاسخگویی بیانگر آن است که مردم بتوانند دولت را در برابر آن‌چه که بر آن‌ها تاثیر می‌گذارد مورد سوال و بازخواست قرار دهند. افراد قادر باشند اهداف خود را انتخاب و پیگیری نمایند و آزادانه نظرات خود را بیان کنند. آزادی بیان سبب مشارکت افراد می‌شود و این مشارکت عاملی برای رهبری و مشروعیت بخشیدن به سازمان‌ها و نهادها و رضایت بیشتر افراد و بهبود کیفیت زندگی است (صفریان و امام جمعه‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

کارآمدی و اثربخشی دولت بر استفاده مناسب از منابع موجود برای تامین نیازهای شهروندان، ارائه خدمات شهری و رضایت مردم استوار است (توکلی و مومنی، ۱۳۹۵: ۴). در واقع، کارایی و اثربخشی دولت بیانگر کارآمدی دولت در انجام وظایف خود که شامل کیفیت خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی عاملان و مستقل بودن خدمات عمومی از فشارهای سیاسی است (آرنت و عمان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸: ۱۱).

کیفیت قوانین و مقررات در برگیرنده توانایی دولت برای صورت‌بندی و اجرای سیاست‌ها و مقررات منطقی و معقول که امکان توسعه بخش خصوصی را فراهم می‌کنند، است (سلوا<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۰).

<sup>۱</sup>. Kaufman & Englander

<sup>۲</sup>. Ardnt

<sup>۳</sup>. Selva

هم‌چنین، کیفیت مقررات بر روی سیاست‌های ناسازگار با بازار تمرکز دارد. سیاست‌هایی از قبیل کنترل قیمت‌ها، عدم نظارت کافی بر سیستم بانکی و هزینه وضع قوانین برای محدودیت بیش از اندازه تجارت خارجی (کرای<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰).

قانون‌مداری، موفقیت کشورها در ایجاد محیط و فضایی است که در آن، قوانین عادلانه و قابل پیش‌بینی شرایطی را برای میان‌کنش‌های اقتصادی و اجتماعی فراهم می‌کنند و حقوق مالکیت افراد به رسمیت شناخته شده و مورد محافظت قرار می‌گیرد (مونگیو-پپیدی<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). هم‌چنین منظور از قانون‌مداری، مراعات چارچوب‌های قانونی در تصمیم‌گیری و دور بودن دست افراد غیرمسئول از تصمیم‌گیری‌ها است (آدینه‌وند و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۷).

ثبات سیاسی و عدم خشونت به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات موثر دولت و سیاست‌های خارجی در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران و دولتمردان فعلی می‌پردازد. وجود بی‌ثباتی‌های سیاسی موجب تزلزل در سیمای اجتماعی کشور می‌شود و در کارایی و کنش موثر دولت و هم‌چنین جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی تأثیر می‌گذارد (صفریان و امام جمعه‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۵۶). کنترل فساد نیز ناظر بر این موضوع است که چه قدر از قدرت عمومی برای منافع شخصی استفاده می‌شود و تا چه حدی منافع افراد و نخبگان، تصمیمات حکومت و دولت را هدایت می‌کنند (نصیر، ۲۰۲۰).

توجه به مفهوم رفاه و مفاهیم مرتبط با آن مانند کیفیت زندگی و خوشبختی، نخستین بار در آمریکا و سپس در اروپا مطرح شد. مفهوم رفاه از دو جنبه کمی و عینی از یک سو و ذهنی و کیفی از سوی دیگر، در کانون توجه قرار گرفت. اندیشمندان در آمریکا بیشتر بر شاخص‌های کیفی مانند هزینه‌های اجتماعی رشد اقتصادی، از دست دادن منابع برای آینده و تزلزل در رشد متمرکز شدند، اما اروپائیان به شاخص‌های کمی مانند تولید ملی توجه کردند (گلترز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶: ۱۷۰). نکته مهم این که تفاوت در زاویه دید اندیشمندان، نشأت گرفته از جهت‌گیری‌های دوگانه در مفهوم سودمندی است؛ سودمندی پیامدی که اغلب از طریق سنج‌های مالی سنجیده می‌شود و از طریق کالاها و خدمات مفید به دست می‌آید و سودمندی رویه‌ای که رفاه کسب شده از زندگی تعریف می‌شود و در ایجاد حس مثبت نسبت به خود و توجه به نیازهای ذاتی برای استقلال، وابستگی و شایستگی، نقش دارد (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴۶).

ریشه اصلی مفهوم رفاه از خوب بودن نشأت گرفته است؛ بدین معنا که افراد یا موجودیت‌ها، هم از لحاظ درونی (تأمین نیازها) و هم در عرصه بیرونی (رقابت) عملکرد خوبی داشته باشند. از لحاظ درونی، افراد باید رفاه را به صورت ذهنی درک کنند و در عرصه بیرونی، باید شرایط عینی زندگی مانند ثروت،

<sup>۱</sup>. Kraay

<sup>۲</sup>. Mungiu-Pippidi

<sup>۳</sup>. Glatzer

بهداشت و ... که زمینه‌ساز رفاه‌اند بهبود یابند، اندیشمندان رفاه ذهنی را رفاه روان‌شناختی و رفاه عینی را رفاه مادی می‌نامند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۸-۴۷).

رویکردهای رفاه به دو بخش عینی و ذهنی تقسیم می‌شوند. در تحقیقات صورت گرفته در مقیاس اجتماعی مناقشه‌ای قدیمی بین رویکردهای عینی و ذهنی وجود دارد. رویکرد عینی بر اندازه‌گیری کردن واقعیت‌هایی چون درآمد و مکانی برای زندگی در مقیاس مترمربع متمرکز است اما برخلاف رویکرد عینی، رویکرد ذهنی بر موضوعاتی چون رضایت از درآمد و مناسب محل زندگی توجه دارد. اما نگرش‌های نوین (ترکیبی) به مفهوم رفاه، معیارهای عینی و ذهنی را همزمان در کانون توجه قرار می‌دهند؛ چرا که رفاه عینی برای افراد فرصت‌هایی را ایجاد می‌کند و پتانسیل‌های ذاتی منفی محیط را به حداقل می‌رساند و رفاه ذهنی با ایجاد احساس خوب و لذت‌بخش در افراد، زمینه را برای تلاش بیشتر فراهم می‌آورد (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۱).

مؤسسه لگاتیوم در سال ۲۰۰۷، با به دست آوردن شاخص رفاه لگاتیوم تلاش کرده است که معیاری ترکیبی (ذهنی و عینی) و فراگیر برای رفاه، با در هم آمیختن معیارهایی در زمینه‌های ثروت اقتصادی و کیفیت زندگی، ارائه نماید. شاخص رفاه لگاتیوم به خاطر این که مواردی مانند سرمایه اجتماعی، تندرستی، فرصت، امنیت، حکومت و دولت، حقوق و آزادی‌های فردی را در بر می‌گیرد، از رفاه با بعد مادی و دیگر شاخص‌های مشابه در زمینه رفاه کاربردی‌تر و کامل‌تر است. در واقع، مؤسسه لگاتیوم با اشاره به این که نکته که مرفه‌ترین کشورها آنانی نیستند که لزوماً تولید ناخالص بالایی دارند، سایر ملزومات و ویژگی‌های رفاهی را در شاخص رفاه لگاتیوم به کار برده است. در سال ۲۰۱۵، شاخص معرفی شده توسط این مؤسسه دارای هفت زیر شاخص بوده و هر کدام از این زیر شاخص‌ها، ابعاد مختلفی از رفاه زندگی افراد جامعه را مورد توجه قرار داده‌اند (محمدی و محمودی، ۱۳۹۷: ۳). این زیر شاخص‌ها در زیر بیان گردیده و با توجه به این که تعداد متغیرهای مورد بررسی هر زیر شاخص بسیار زیاد می‌باشد، سعی شده است که فقط ماهیت کلی متغیرهای به کار برده شده بیان شود.

### اقتصاد

مفاهیم مادی و اقتصادی، جزو لاینفک رفاه در هر جامعه‌ای به شمار می‌روند. زیر شاخص اقتصاد، عملکرد اقتصادی کشورهای مختلف را در حوزه سیاست‌های کلان اقتصاد، زیرساخت‌های رشد اقتصادی و کارآیی بخش مالی سنجش می‌کند. به بیان دیگر، این زیر شاخص با بررسی متغیرهای اقتصادی مانند تورم، پس‌انداز، اشتغال و بیکاری، نسبت سرمایه به کارگر، مصرف خانوار، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، صادرات و سایر متغیرهای مشابه، به بیان این نکته می‌پردازد که تا چه اندازه یک کشور به پیش‌نیازهای رشد اقتصادی و پایداری، به منظور تامین رفاه جامعه‌اش پرداخته است. بنابراین با استفاده از این شاخص -ها می‌توان وضعیت اقتصادی جامعه را که نمایانگر رفاه اقتصادی جامعه است ارزیابی کرد.

### کارآفرینی و فرصت

وجود فضای مناسب برای اجرایی شدن ایده‌های کارآفرینانه و دسترسی به فرصت‌های برابر، کامیابی و رفاه یک جامعه را به دنبال دارد. در واقع این زیر شاخص نشان می‌دهد که کشورها به چه میزان بر محورهای نوآوری و کارآفرینی استوارند. پایین بودن هزینه آغاز یک کسب و کار، وجود چشم‌انداز روشن اقتصادی، توان تکنولوژیکی، حق امتیاز نوآوری‌ها، پژوهش و توسعه، بنگاه‌های تازه ثبت شده، امکان تجاری‌سازی ایده‌ها و دسترسی به امکانات مناسب و برابر، از جمله مواردی است که در این زیر شاخص مورد توجه قرار می‌گیرد.

### آموزش

تقریباً در تمامی کشورهای جهان تأکید ویژه‌ای بر آموزش با توجه به افزایش اهمیت سرمایه انسانی و دانش در مباحث رشد و رفاه می‌شود. وضعیت آموزش در کشورهای دنیا در حوزه‌های مختلف دسترسی به امکانات آموزشی، کیفیت سیستم آموزشی و خروجی‌های آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. تلاش‌های آموزشی، افزون بر فرصت‌های اقتصادی که ایجاد می‌کنند، فرصت‌ها را برای زنان و گروه‌های اقلیت در یک جامعه مهیا می‌کنند. در واقع، این زیر شاخص، کارکرد آموزشی یک کشور را با سال‌های تحصیلی که شهروندان آن کشور می‌گذرانند، اندازه‌گیری می‌کند. از میان همه متغیرهای موجود در این زیر شاخص، نرخ ثبت نام در دوره دبیرستان و میانگین سال‌های آموزش در دانشگاه، بیشترین همبستگی را در راستای ارتقا رفاه آموزشی یک کشور نشان می‌دهد.

### سلامت و بهداشت

امروزه دارا بودن طول عمر مناسب همراه با سلامتی با توجه به بهبود استانداردهای زندگی و کاهش مرگ و میرهای ناشی از ضعف دستگاه‌های سلامت، یکی از حقوق اولیه انسان‌ها می‌باشد. متغیرهای مورد بررسی در زیر شاخص سلامت در سه حوزه کلی دسترسی (مانند دسترسی به آب سالم و امکانات سلامت)، کیفیت سیستم سلامت (تعداد پزشک و پرستار در هر ۱۰۰۰۰ نفر) و خروجی‌های سلامت (مانند کاهش نرخ مرگ و میر و نرخ مرگ مادران) ارزیابی می‌شوند. مطالعات نشان می‌دهند که سلامت بر دیگر جنبه‌های رفاه نیز اثر می‌گذارد. این زیر شاخص همبستگی چشمگیری با زیرشاخص‌های آموزش، کارآفرینی و اقتصاد دارد. این همبستگی بیانگر این است که یک جامعه سالم، جامعه‌ای است که تحصیلکرده و بخشی از یک اقتصاد پیشرفته باشد.

### امنیت و آرامش

این زیر شاخص، یک بخش بنیادی از رفاه است. نبود امنیت در جامعه، آسایش خاطر فعالان اقتصادی را سلب و فرآیند کسب و کار را مختل می‌کند و سرمایه‌ها و از همه مهم‌تر، افراد را وادار به فرار می‌کند. بنابراین یکی از پیش‌نیازهای انجام فعالیت‌های اقتصادی و توسعه جوامع، امنیت و آرامش جامعه می‌باشد. همان‌طور که تاریخ نشان می‌دهد، جوامع بسیاری وجود داشته‌اند که در کامیابی و رفاه به سر برده‌اند ولی در سایه ناامنی‌های برآمده از کژرفتاری دستگاه‌های دولتی، پایمال شدن آزادی‌های مدنی، درگیری‌های داخلی و جنگ، رو به افول نهاده‌اند. متغیرهایی مانند جنگ‌های داخلی، وقوع انواع جرائم و خستونت‌ها در امنیت و آرامش تأثیر به‌سزایی دارند.

### آزادی‌های فردی

زیر شاخص آزادی‌های فردی، نشان می‌دهد که شهروندان تا چه اندازه می‌توانند آزادانه شیوه زندگی خود را برگزینند و به جستجوی فرصت‌های مناسب برای بهتر زندگی کردن بپردازند. مهم‌ترین متغیرهای موجود در این زیر شاخص، آزادی انتخاب، اندیشه، بیان و جنبش هستند و تنوع فرهنگ، مذهب، اقوام و احترام به حقوق و آزادی‌های مدنی نیز بر رضایت‌مندی هر جامعه نیز تأثیرگذار است.

### سرمایه اجتماعی

این زیر شاخص، کارکرد حکومت‌ها را در حوزه‌های همبستگی اجتماعی و مشارکت در شبکه‌های اجتماعی ارزیابی می‌نماید. وجود اعتماد، اتحاد و همبستگی میان افراد یک جامعه، توانایی تکیه کردن به دوستان، خانواده و حتی ناآشنایان به هنگام نیاز و گستردگی شبکه‌های اجتماعی میان آن‌ها، تأثیر مثبت و مستقیمی بر رفاه خواهد گذاشت.

### محیط زیست طبیعی

این زیرشاخص که از سال ۲۰۱۶ به مولفه‌های رفاه اضافه شده است؛ عملکرد کشورها را در سه حوزه کیفیت محیط طبیعی، فشارهای محیطی و تلاش‌های حفظ محیط زیست، ارزیابی می‌کند. پس از توضیح مختصر متغیرهای رفاه و حکمرانی خوب، در ادامه به چگونگی تأثیر حکمرانی خوب بر رفاه ملی پرداخته می‌شود.

محرك اصلی تحقق رفاه، بخش دولتی و خود دولت‌ها هستند که باید به کیفیت خدمات ارائه شده به وسیله آن‌ها و وضعیت شاخص‌های مختلف دولت‌ها توجه نمود. دولت‌ها از راه فراهم کردن شرایطی نظیر امنیت، مراقبت‌های بهداشتی و حداقل سطح عدالت و برابری اجتماعی می‌توانند به خوشبختی یا رفاه شهروندان کمک کنند. دولت‌ها از طریق تامین دفاع ملی و حفظ قانون و نظم، هم‌چنین با اقدام کردن در زمانی که ابتکار عمل خصوصی وجود ندارد،

بهبود رقابت و ارتباط با عوامل بیرونی در تامین رفاه مشارکت می‌کنند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۱). علاوه بر این، دولت‌ها به طور مستقیم از طریق وضع مقررات رفاهی گوناگون در حوزه خدمات رفاهی، پرداخت‌های انتقالی تامین اجتماعی، یارانه‌ها و تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی در تامین رفاه مشارکت دارند. تحقق برخی از ابعاد ظرفیت حاکمیت در حوزه مدیریت دولتی مانند ظرفیت اجرای خط‌مشی‌ها، توان جمع‌آوری مالیات‌ها، توان ساختار بوروکراتیک در اجرای فرایندهای اداری، ایجاد نظام سیاسی قانون‌مند، پیشگیری از فساد مدیران بخش دولتی و حاکمیت و احترام به قانون باعث تقویت بخش دولتی و در نتیجه‌گیری تأثیرگذاری مثبت بر شهروندان می‌شود (فانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۵). با توجه به تبیین‌های ذکر شده می‌توان بیان کرد که بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب به ارتقای رفاه ملی منجر می‌شود. در ادامه به تشریح نقش ابعاد مختلف حکمرانی خوب در ارتقای رفاه ملی پرداخته خواهد شد.

### حق اظهار نظر و پاسخگویی

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد افراد تمایل دارند که به صورت ارادی رفتار کنند و حق تعیین سرنوشت برای همه افراد فارغ از رفاه مادی حائز اهمیت است؛ به عبارت دیگر، رفاه و کیفیت زندگی افراد به این بستگی دارد که آن‌ها قادر به انتخاب و پیگیری اهداف خود باشند؛ یعنی این که علاوه بر دارا بودن ابزار مناسب، فرصت دنبال کردن اهداف را داشته باشند، چرا که افراد در رابطه با فرصت‌هایی که پیش روی آن‌ها است با محدودیت مواجه نمی‌شوند و می‌توانند آزادانه نظرات خود را بیان کنند. آزادی بیان زمینه‌ساز مشارکت افراد می‌شود و این مشارکت عاملی برای رهبری و هم‌چنین مشروعیت بخشیدن به سازمان‌ها و نهادها، رضایت بیشتر افراد و بهبود کیفیت زندگی می‌باشد (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۲).

### کارایی و اثربخشی دولت

به این معنا که فعالیت‌های دولت نتایجی را به بار بیاورد که نیازهای جامعه را برآورده سازد و دولت از منابع محدود تحت اختیار خود، بیشترین استفاده را ببرد. کارایی و اثربخشی دولت می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های اداره جامعه و افزایش کیفیت خدمات شهری و دولتی، بهبود شرایط کسب و کار و آزادی‌های اقتصادی و سیاسی و در نتیجه کیفیت زندگی شود. در واقع، کارکرد نامناسب دولت و حکومت، حجم کاری زیاد و توان ناکافی دولت‌ها برای خدمات‌رسانی موجب فرسایش اعتماد شهروندان و در نتیجه دغدغه‌های ذهنی آن‌ها می‌شود (سایمون و بنت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸).

### قانون‌مداری

به عنوان مولفه دیگر حکمرانی خوب، با رفاه شهروندان در ارتباط است. به طوری که قانون‌مداری با ایجاد ضمانت‌ها و شکل‌گیری هنجارها باعث احساس امنیت اجتماعی شهروندان می‌شود و این وضعیت

<sup>۱</sup>. Simon & Bennett

نیز موجب احساس رضایت خاطر از زندگی و افزایش کیفیت زندگی و رفاه آن‌ها می‌گردد (لئونگ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰).

### کیفیت قوانین و مقررات

مناسب بودن و اثربخشی قوانین در حوزه مدیریت دولتی زمانی محقق می‌شود که قوانین و مقررات متأثر از عقلانیت باشند؛ یعنی این که یک قانون اخلاق‌محور، مبتنی بر مبنای علمی، مورد قبول اکثریت و متکی بر قانون اساسی کشور باشد تا سودمندی رویه و سودمندی پیامد را توأمان مدنظر قرار دهد و علاوه بر سهولت درک به وسیله شهروندان امکان کاربرد توسط دولتمردان را داشته باشد (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۳).

### ثبات سیاسی و عدم خشونت

وجود برخی روابط غیراقتصادی از جمله مخاطرات بالای سیاسی، روابط استعماری، قوانین و مقررات بی‌ثبات و غیر قابل اعتماد، رشوه و فساد اداری موجب ریسک بالای سرمایه‌گذاری می‌شود (مهدوی عادل و همکاران، ۱۳۸۷: ۹۵). کاهش مخاطرات سیاسی، موجب افزایش قابلیت یک کشور در جذب سرمایه‌گذاری می‌شود که همین امر زمینه را برای بهبود ثروت کشور و وضع اقتصادی شهروندان فراهم می‌کند. از سوی دیگر، عدم ثبات سیاسی باعث شکل‌گیری سازمان‌های دولتی مضطرب می‌شود؛ برنامه‌های سازمان‌هایی که به طور دائم در حال بازسازی‌اند، ناتمام می‌ماند، کارایی و اثربخشی آنان به شدت افت می‌کند که پیامد این وضعیت کاهش رفاه و کیفیت زندگی شهروندان است (همان: ۵۲).

### کنترل فساد

فساد در هر کشوری می‌تواند باعث تحمیل هزینه‌های ناآعادلانه به کسب و کارهای خرد، تخریب اقتصاد و فاصله گرفتن از فعالیت‌های مولد و کارآ شود و رفاه عمومی را کاهش دهد. از سوی دیگر، مبارزه با فساد باعث ارتقا شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی هم‌چون سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر، رشد اقتصادی بالاتر، مرگ و میر کمتر کودکان، میزان سواد بالاتر، حقوق مالکیت قوی‌تر و افزایش کسب و کار می‌شود و زمینه را برای ارتقا رفاه شهروندان فراهم می‌سازد (دانایی‌فرد، ۱۳۹۶: ۱۱۱).

### روش پژوهش

در پژوهش به منظور مطالعه نقش حکمرانی مطلوب در رفاه ملی کشورها، از روش تحلیل داده‌های موجود بهره گرفته شده است. روش تحلیل داده‌های موجود دو گونه‌اند:

<sup>۱</sup>. Leung

الف) در پاره‌ای موارد داده‌هایی برای یک رشته تحلیل گردآوری شده‌اند و برای انجام تحقیقات جدید در دسترس محققان دیگر قرار می‌گیرد. این داده‌های رسماً موجود یا به صورت خام‌اند و محققان دیگر می‌توانند آن‌ها را تحلیل کنند (که تحلیل ثانوی مجموعه اطلاعاتی است که محقق قبلی تهیه کرده است) یا به صورت آمارند که محققان می‌توانند این آمارهای موجود را دوباره تحلیل کنند.

ب) در موارد دیگر داده‌ها به صورت پراکنده وجود دارند منتهی کسی آن‌ها را به صورت یک مجموعه واحد گردآوری نکرده است. این داده‌ها به صورت مطالب چاپ شده، مطالب مصور یا ضبط شده یا مصنوعات‌اند (بیکر، ۱۳۹۰: ۳۰۵). در این راستا، پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر زمانی؛ مقطعی و از نظر شیوه اجرا؛ تحلیل داده‌های موجود از نوع تحلیل ثانویه است. برای سنجش مفهوم حکمرانی خوب از داده‌های بانک جهانی<sup>۱</sup> سال ۲۰۱۸ و برای سنجش مفهوم رفاه ملی از داده‌های موسسه لگاتیوم<sup>۲</sup> سال ۲۰۱۸ استفاده شده است. انتخاب سال ۲۰۱۸ به عنوان سال مبنای تحلیل، بر اساس دو معیار به روز بودن و موجود بودن داده‌ها صورت گرفته است. در پایگاه داده‌های بانک جهانی، حکمرانی خوب با استفاده از شش شاخص «حق اظهارنظر و پاسخگویی»، «کارآمدی و اثربخشی دولت»، «کیفیت قوانین و مقررات»، «حاکمیت قانون یا قانون‌مداری»، «ثبات سیاسی و عدم خشونت»، و «کنترل فساد» و در پایگاه داده‌های موسسه لگاتیوم، رفاه ملی با شاخص‌های «اقتصاد»، «کارآفرینی و فرصت»، «آموزش»، «سلامت و بهداشت»، «امنیت و آرامش»، «آزادی‌های فردی»، «سرمایه اجتماعی» و «محیط زیست طبیعی» سنجیده شده است.

جامعه آماری پژوهش، کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی (۵۷ کشور) و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۳۰ کشور) است. اما با توجه به این که در پایگاه داده‌های بانک جهانی و موسسه لگاتیوم از میان ۵۷ کشور عضو سازمان همکاری اسلامی، فقط آمارهای ۴۱ کشور (افغانستان، آلبانی، امارات متحده عربی، آذربایجان، بنین، بورکینافاسو، بنگلادش، بحرین، سودان، کامرون، الجزایر، مصر، گابن، اندونزی، ایران، عراق، اردن، قزاقستان، قرقیزستان، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، مالی، موزامبیک، موریتانی، مالزی، نیجر، نیجریه، عمان، پاکستان، قطر، عربستان، سنگال، سیرالئون، چاد، تاجیکستان، تونس، ترکیه، اوگاندا و یمن) و از میان ۳۰ کشور عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، آمارهای ۲۹ کشور (اتریش، اسپانیا، استرالیا، اسلواکی، انگلیس، ایتالیا، ایرلند، ایسلند، آلمان، آمریکا، بلژیک، پرتغال، جمهوری چک، دانمارک، ژاپن، سوئد، سوئیس، فرانسه، فنلاند، کانادا، کره جنوبی، لوکزامبورگ، لهستان، مجارستان، مکزیک، نروژ، نیوزیلند، هلند و یونان) موجود بود، این کشورها به عنوان حجم نمونه انتخاب شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده است.

<sup>۱</sup> <http://info.worldbank.org/governance/wgi/#home>

<sup>۲</sup> [www.prosperity.com](http://www.prosperity.com)

در تحلیل ثانویه از آن جا که داده‌ها توسط سازمان‌های بزرگ و معتبر جهانی گردآوری می‌شوند و این سازمان‌ها شاخص‌ها و مقیاس‌های متغیرهای مورد نظر را ساخته‌اند، مسلماً آزمون اعتبار و پایایی آن‌ها نیز بررسی و تأیید شده است. در واقع، تحلیل ثانویه مبتنی بر فنون کاملاً تخصصی گردآوری داده‌ها غالباً دارای سنجه‌هایی است که اعتبار و پایایی آن‌ها خیلی بالاتر از سنجه‌هایی است که یک محقق به تنهایی قادر به ساختن آن‌هاست (بیکر، ۱۳۹۰: ۳۱۵). در پژوهش حاضر نیز از آن جایی که داده‌های حکمرانی خوب و رفاه ملی توسط سازمان‌های معتبر جهانی (بانک جهانی و موسسه رفاه لگاتیوم) توسط چندین محقق گردآوری شده‌اند، اعتبار و پایایی ابزار پژوهش نیز تأمین شده است.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی پژوهش بیانگر آن است که میانگین حکمرانی خوب در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بالاتر از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی است. این بدین معنا است که کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از کیفیت حکمرانی مطلوب‌تری نسبت به کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی برخوردارند. همچنین میانگین رفاه ملی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بالاتر از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی است. این بدین معنا است که کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از رفاه ملی مطلوب‌تری نسبت به کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی برخوردارند.

جدول شماره (۱): میانگین متغیرهای حکمرانی خوب و رفاه ملی در کشورهای مورد بررسی

کشور	متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین*	انحراف معیار
کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی	حکمرانی خوب	-۱۲/۶۲	۳/۹۵	-۳/۸۶	۳/۸۵
	رفاه ملی	۳۳۳	۱۱۳۹	۷۸۸/۴۳	۲۱۸/۴۴
کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه	حکمرانی خوب	-۲/۱۱	۱۰/۸۶	۷/۲۷	۳/۲۵
	رفاه ملی	۵۱	۵۶۵	۲۰۰/۹۶	۱۳۹/۹۶

\* بالاتر بودن مقدار میانگین در متغیر حکمرانی خوب نشانگر جایگاه بهتر و پایین بودن مقدار میانگین در متغیر رفاه ملی نشانگر جایگاه بهتر است.

قبل از پرداختن به تاثیر حکمرانی خوب و مولفه‌های آن بر رفاه ملی در کشورهای مورد بررسی، ضروری است که همبستگی یا ارتباط حکمرانی خوب و ابعاد آن با رفاه ملی مشخص شود. اطلاعات جدول (۲) بیانگر آن است که در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بین حکمرانی خوب و ابعاد آن با رفاه ملی همبستگی معنادار مستقیمی وجود دارد؛ به طوری که با افزایش کیفیت حکمرانی خوب و مولفه‌های آن، رفاه ملی کشورها افزایش می‌یابد. همچنین در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی بین حکمرانی خوب و ابعاد آن (به جز بعد حق اظهار نظر و پاسخگویی) با رفاه ملی همبستگی

معنادار مستقیمی وجود دارد. نکته قابل توجه در داده‌های جدول این است که شدت همبستگی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بیشتر از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی است.

جدول شماره (۲): رابطه حکمرانی خوب و ابعاد آن با رفاه ملی

کشور	متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	مقدار همبستگی	سطح معناداری
کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه	حق اظهار نظر و پاسخگویی	رفاه ملی	-۰/۸۹۱	۰/۰۰۰
	کارآمدی و اثربخشی دولت		۰/۹۰۷	۰/۰۰۰
	کیفیت قوانین و مقررات		۰/۹۳۴	۰/۰۰۰
	حاکمیت قانون		۰/۹۳۳	۰/۰۰۰
	ثبات سیاسی و عدم خشونت		۰/۶۲۱	۰/۰۰۰
	کنترل فساد		۰/۹۴۱	۰/۰۰۰
	حکمرانی خوب		۰/۹۴۳	۰/۰۰۰
کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی	حق اظهار نظر و پاسخگویی	رفاه ملی	۰/۲۳۱	۰/۱۴۶
	کارآمدی و اثربخشی دولت		۰/۸۶۲	۰/۰۰۰
	کیفیت قوانین و مقررات		۰/۷۸۱	۰/۰۰۰
	حاکمیت قانون		۰/۷۹۵	۰/۰۰۰
	ثبات سیاسی و عدم خشونت		۰/۷۰۲	۰/۰۰۰
	کنترل فساد		۰/۷۴۰	۰/۰۰۰
	حکمرانی خوب		۰/۸۰۰	۰/۰۰۰

برای مطالعه تاثیر ابعاد حکمرانی خوب بر رفاه ملی، ابتدا تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان صورت گرفته است. اطلاعات جدول بیانگر آن است که اگرچه همبستگی چندگانه در بین کشورهای عضو همکاری اقتصادی و توسعه و کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی به ترتیب معادل ۰/۹۵ و ۰/۸۵ است و ضریب تبیین برابر با ۰/۹۱ و ۰/۷۶ است، اما تاثیر هیچ کدام از متغیرهای مستقل یعنی ابعاد حکمرانی خوب بر رفاه ملی (با توجه به میزان سطح معناداری به دست آمده که بالاتر از ۰/۰۵ هستند) معنادار نیست. دلیل این امر وجود هم‌خطی بین ابعاد حکمرانی خوب است. مقادیر به دست آمده برای تولرانس یا سطح تحمل بیانگر آن است که ابعاد حکمرانی خوب همبستگی بالایی با همدیگر دارند.

جدول شماره (۳): مدل رگرسیونی چندگانه رفاه ملی با استفاده از روش همزمان

کشور	متغیرهای مستقل	Beta	t	Sig	Tolerance	R	R <sup>2</sup>	F	Sig
کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه	حق اظهار نظر و پاسخگویی	۰/۱۵۵	۰/۸۶۸	۰/۳۹۵	۰/۱۲۲	۰/۹۵۶	۰/۹۱۴	۳۸/۹۹۶	۰/۰۰۰
	کارآمدی و اثربخشی دولت	۰/۲۱۶	۰/۷۸۷	۰/۴۴۰	۰/۰۵۲				
کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه	کیفیت قوانین و مقررات	۰/۳۸۶	۱/۸۱۷	۰/۰۸۳	۰/۰۸۷				
	حاکمیت قانون	۰/۴۳۹	۱/۴۴۷	۰/۱۶۲	۰/۰۴۲				

				۰/۱۰	۰/۱۱۲	۰/۹۱۲	۰/۵۳۰	ثبات سیاسی و عدم خشونت	
				۰/۲۲۰	۰/۶۵۱	۰/۵۲۱	۰/۰۳۴	کنترل فساد	
				۰/۰۹۵	۰/۹۷۴	۰/۳۳۷	۰/۸۳۴	حق اظهار نظر و پاسخگویی	
				۰/۱۹۷	۰/۸۵۸	۰/۰۴۳	۰/۱۱۰	کارآمدی و اثربخشی دولت	کشورهای عضو
				۰/۰۶۳	۰/۲۸۵	۰/۸۷۷	۰/۱۴۳	کیفیت قوانین و مقررات	سازمان همکاری
	۰/۸۷۳	۰/۷۶۲	۱۸/۱۲۳	۰/۱۲۹	۰/۵۴۵	۰/۵۸۹	۰/۱۶۱	حاکمیت قانون	اسلامی
				۰/۱۳۷	۰/۹۶۹	۰/۳۳۹	۰/۳۵۲	ثبات سیاسی و عدم خشونت	
				۰/۲۰۵	۰/۹۸۱	۳۳۴	۰/۱۶۱	کنترل فساد	

برای حل مشکل همخطی چندگانه بین ابعاد متغیرهای مستقل می‌توان از روش‌های مختلفی استفاده نمود. بنا بر ملاحظات علمی، دو مورد از روش‌هایی که در پژوهش حاضر قابلیت اجرا دارند عبارتند از: (۱) استفاده از روش گام به گام به جای روش همزمان و (۲) روش تجمیع متغیرها. اطلاعات جدول (۴) بیانگر آن است که در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از بین ابعاد شش‌گانه متغیر حکمرانی خوب، ابعاد کنترل فساد و کیفیت قوانین و مقررات تاثیر معنادار مستقیمی بر رفاه ملی دارد؛ به طوری که هر چه میزان کنترل فساد و کیفیت قوانین و مقررات در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه افزایش می‌یابد به همان میزان رفاه ملی افزایش می‌یابد. هم‌چنین کنترل فساد و کیفیت قوانین و مقررات با توجه به ضریب تبیین به دست آمده توانسته‌اند ۹۰ درصد از تغییرات یا واریانس رفاه ملی را تبیین کنند. اما در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، فقط بعد کارآمدی و اثربخشی دولت توانسته است تاثیر معنادار مستقیمی بر رفاه ملی داشته باشد. هم‌چنین کارآمدی و اثربخشی دولت با توجه به ضریب تبیین به دست آمده توانسته است ۷۴ درصد از تغییرات رفاه ملی را تبیین کند.

جدول شماره (۴): مدل رگرسیونی چندگانه رفاه ملی با استفاده از روش گام به گام

Sig	F	R <sup>2</sup>	R	Tolerance	Sig	t	Beta	متغیرهای مستقل	کشور
۰/۰۰۰	۱۱۹/۳۰۱	۰/۹۰۲	۰/۹۵۰	۰/۸۹۷	۰/۰۱۰	۲/۷۶۰	۰/۵۴۴	کنترل فساد	کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه
۰/۰۰۰	۱۱۲/۶۵۰	۰/۷۴۳	۰/۸۶۲	۱	۰/۰۰۰	۱۰/۶۱۴	۰/۸۶۲	کارآمدی و اثربخشی دولت	کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی

دومین راه کاهش اثر همخطی چندگانه متغیرهای مستقل، تجمیع آن‌ها در یک یا چند متغیر جدید است. به گونه‌ای که تعداد متغیرهای جدید از متغیرهای قبلی کمتر باشد (شریف‌زادگان و قانونی، ۱۳۹۶:

(۲۱۴). بنابراین شش متغیری که دارای همخطی چندگانه بودند به یک متغیر واحد به نام حکمرانی خوب تبدیل شده‌اند. اطلاعات جدول (۵) نشانگر آن است که حکمرانی خوب هم در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و هم در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی تأثیر مستقیمی بر رفاه ملی دارد و با افزایش کیفیت حکمرانی خوب، رفاه ملی در این کشورها افزایش می‌یابد. شدت این تأثیرگذاری در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۰/۹۴) بیشتر از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی (۰/۸۰) است. همچنین متغیر حکمرانی خوب توانسته است در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه ۰/۸۸ و در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی ۰/۶۳ درصد از تغییرات یا واریانس رفاه ملی را تبیین کند.

جدول شماره (۵): مدل رگرسیونی رفاه ملی با استفاده از روش تجمیع متغیرها

کشور	متغیر مستقل	Beta	t	Sig	R	R <sup>2</sup>	F	Sig
کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه	حکمرانی خوب	۰/۹۴۳	۱۴/۶۸۱	۰/۰۰۰	۰/۹۴۳	۰/۸۸۹	۲۱۵/۵۳۳	۰/۰۰۰
کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی	حکمرانی خوب	۰/۸۰۰	۸/۳۱۸	۰/۰۰۰	۰/۸۰۰	۰/۶۳۹	۶۹/۱۸۳	۰/۰۰۰

### بحث و نتیجه‌گیری

امروزه اندیشمندان بسیاری بر نقش نهادها و عوامل نهادی هم‌چون دولت در دستیابی به توسعه و افزایش رفاه عمومی تأکید دارند و حکمرانی مطلوب را مهم‌ترین عامل توسعه می‌دانند. به طوری که جامعه‌شناسان و اقتصاددانان نهادگرای جدید کیفیت و الگوی نهادهای رسمی و غیررسمی دولت-ملت‌ها را به مثابه اساسی‌ترین بازدارنده‌ها و مشوق‌های توسعه تلقی می‌کنند. نهاد حکمرانی و مولفه‌های آن (حق اظهارنظر و پاسخگویی، کارآمدی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون یا قانون‌مداری، ثبات سیاسی و عدم خشونت، و کنترل فساد) که مجموعه گسترده‌ای از ترتیبات رسمی و غیررسمی را در زمینه‌های مختلف شامل می‌شود، نقش مهم‌تری در افزایش رفاه ملی دارد.

در این زمینه، یافته‌های توصیفی پژوهش بیانگر آن است که میانگین حکمرانی خوب در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بالاتر از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی است. به بیان دیگر، کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از کیفیت حکمرانی مطلوب‌تری نسبت به کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی برخوردارند. همچنین میانگین رفاه ملی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بالاتر از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی است. این بدین معنا است که کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه از رفاه ملی مطلوب‌تری نسبت به کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی برخوردارند.

یافته‌های استنباطی پژوهش نیز بیانگر آن است که در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بین حکمرانی خوب و ابعاد آن با رفاه ملی همبستگی معنادار مستقیمی وجود دارد. همچنین در کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی بین حکمرانی خوب و ابعاد آن (به جز بعد حق اظهارنظر و پاسخگویی) با رفاه ملی همبستگی معنادار مستقیمی وجود دارد. به طوری که شدت همبستگی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بیشتر از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی است. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش شاه‌آبادی و پورجوان (۱۳۹۱)، دانایی‌فرد و همکاران (۱۳۹۱)، چیمبا و مگویر (۲۰۰۳)، واگنر (۲۰۰۴)، دیاموند (۲۰۰۵)، شارما (۲۰۰۷)، تامسون (۲۰۰۷)، محمد و استروبل (۲۰۰۹)، و یائو و همکارانش (۲۰۰۹)، هلیول و همکارانش (۲۰۱۴)، و هلیول و همکارانش (۲۰۱۸)، است که در مطالعه‌شان نشان دادند حکمرانی خوب نقش مهمی در افزایش رفاه ملی کشورها دارد.

با کنترل همخطی بین ابعاد حکمرانی خوب مشخص شد که از بین مولفه‌های شش‌گانه حکمرانی خوب در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ابعاد کنترل فساد و کیفیت قوانین و مقررات تاثیر معنادار مستقیمی بر رفاه ملی دارند. کنترل فساد و کیفیت قوانین و مقررات با توجه به ضریب تبیین به دست آمده توانسته‌اند ۹۰ درصد از تغییرات رفاه ملی را تبیین کنند. در تحلیل این یافته‌ها می‌توان گفت که کنترل فساد که یکی از شاخص‌های حکمرانی مطلوب است، مستقیماً باعث حفاظت از حقوق مالکیت و آزادی‌های مدنی و استقلال قضایی شده، کیفیت زندگی مردم را ارتقاء داده و در جهت تحقق حقوق بشر، پایداری سیاست‌های سالم اقتصادی و نهادی، توسعه سرمایه انسانی، ریشه‌کنی فقر و در نتیجه افزایش رفاه در سطح جامعه پیش می‌رود. کنترل فساد بر رشد تولید ناخالص داخلی، نابرابری درآمد و فقر، توسعه انسانی و برآورد سلامت و به طور کلی بر رفاه و توسعه جامعه اثرات مثبتی دارد و از طریق تقویت زیرساخت‌های عمومی و خدمات اجتماعی و نیز افزایش درآمدهای مالیاتی، موجب افزایش آهنگ رشد اقتصادی و رفاه ملی می‌گردد. علاوه بر این، هنگامی که قوانین و مقررات بیش از حد نیاز وجود داشته باشند، شهروندان دچار وسوسه دور زدن آن‌ها خواهند شد و از سوی دیگر، کارکنان فاسد نیز به گونه‌ای رفتار می‌کنند که ارباب رجوع بپذیرد قوانین و مقررات موانعی هستند که روند انجام امور او را کند می‌کند و در اینجاست که در نتیجه توافقات ضمنی و سپس آشکار میان کارکنان و ارباب رجوع، فساد رخ می‌دهد. کیفیت و کمیت قوانین و مقررات تا حدی در تولید و تکثر فساد موثر است. همان طور که در بالا گفته شد، وجود فساد نیز یکی از عواملی است که مخل افزایش رفاه جامعه است.

در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی، فقط بعد کارآمدی و اثربخشی دولت توانسته است تاثیر معنادار مستقیمی بر رفاه ملی داشته باشد. همچنین کارآمدی و اثربخشی دولت با توجه به ضریب تبیین به دست آمده توانسته است ۷۴ درصد از تغییرات رفاه ملی را تبیین کند. اثربخشی دولت بیانگر کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله است و در بردارنده مقولات ذهنی هم‌چون کیفیت، تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از

فشارهای سیاسی است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۶). در دیدگاه مطلوب نهادگرایان، دولت عبارت از دولتی کارآمد و شفاف است که با نهادسازی مناسب، توسعه و رفاه را به سمت جلو هدایت می‌کند، حقوق مالکیت را پاس داشته، مانع فعالیت رانتخواران سودجو خواهد شد و با تنظیم قوانین و مقررات مناسب، هزینه مبادلات افراد را کاهش می‌دهد؛ بنابراین، عملکرد بهتر دولت در جهت افزایش رفاه همگانی موثر است.

علاوه بر این، با تجمیع مولفه‌های شش‌گانه حکمرانی در قالب یک متغیر واحد تحت عنوان حکمرانی خوب مشخص شد که حکمرانی مطلوب هم در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و هم در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی تاثیر مستقیمی بر رفاه ملی دارد. شدت این تاثیر - گذاری در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۰/۹۴) بیشتر از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی (۰/۸۰) است. همچنین متغیر حکمرانی خوب توانسته است در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه ۰/۸۸ و در بین کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی ۰/۶۳ درصد از تغییرات رفاه ملی را تبیین کند. در تحلیل این یافته، شارما (۲۰۰۷)، معتقد است که یکی از مشخصه‌های کشورهای در حال توسعه که شامل بسیاری از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی نیز می‌شود، حکمرانی ضعیف است. کیفیت پایین حکمرانی خوب، بسیاری از کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی را از سرمایه‌گذاری مولد مورد نیاز برای رشد و توسعه محروم کرده است. به نظر وی، حکمرانی، رفاه جامعه را به طرز چشمگیری تحت تاثیر قرار می‌دهد و به طور مشخص، تضمین حقوق مالکیت خصوصی و نهادینه‌سازی حاکمیت قانون، انگیزه‌های زیادی را در افراد به وجود می‌آورد و شهروندان را در مقابل بسیاری از آسیب‌ها توانمند می‌سازد و بدین ترتیب منجر به افزایش کیفیت زندگی و رفاه عمومی شهروندان می‌شود.

در مجموع، به نظر می‌رسد کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در سایه توجه به کیفیت و الگوی حکمرانی خود به ویژه کارآمدی و اثربخشی دولت می‌توانند رفاه عمومی را افزایش دهند. بنابراین، لازم است کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی اولویت سیاست‌گذاری خود در زمینه افزایش رفاه ملی را بر بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب (به ویژه کارآمدی و اثربخشی دولت) قرار دهند.

## منابع

- ابراهیمی‌سالی، غلام‌حیدر. (۱۳۸۶). مناسبات دولت و جامعه از دیدگاه جامعه‌شناسی، **نامه علوم اجتماعی**، سال ششم، شماره ۳۰، صص ۱۷۵-۱۵۱.
- آدینه‌وند، علی‌اصغر؛ حاجی‌زاده، مریم؛ و قدمی، مصطفی. (۱۳۹۲). بررسی عملکرد شهرداری در چهارچوب حکمرانی خوب شهری؛ نمونه مورد مطالعه: شهر بایلسر، **مدیریت شهری**، سال یازدهم، شماره ۳۱، صص ۶۴-۴۱.
- بیکر، تریال. (۱۳۹۰). **نحوه انجام تحقیقات اجتماعی**، ترجمه: هوشنگ، نایی. تهران: نشر نی.
- پورجوان، عبدالله. (۱۳۸۹). **بررسی نقش حکمرانی بر رشد اقتصادی و بهره‌وری کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه برگزیده**، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه همدان.
- تقوایی، مسعود؛ زنگی‌آبادی، علی؛ وارثی، حمیدرضا؛ و اکبری، محمود. (۱۳۹۰). سنجش رفاه در کلانشهر شیراز با استفاده از شاخص‌های کلارک و تابع رفاه اتکینسن، **برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، سال دوم، شماره ۸، صص ۸۶-۶۷.
- توکلی، هانیه؛ و مومنی، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی میزان تحقق‌پذیری شاخص‌های حکمروایی خوب شهری با تاکید بر کیفیت زندگی شهری؛ مطالعه موردی مناطق ۱، ۷ و ۲۲ شهر تهران، **مطالعات مدیریت شهری**، سال هشتم، شماره ۲۶، صص ۱۸-۱.
- دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۹۶). **چالش‌های مدیریت دولتی در ایران**، تهران: انتشارات سمت.
- دانایی‌فرد، حسن؛ باباشاهی، جبار؛ آذر، عادل؛ و کردناییج، اسدالله. (۱۳۹۱). تحول در رفاه عمومی؛ آیا حکمرانی خوب نقش مهمی ایفا می‌کند؟ **پژوهش‌های مدیریت در ایران**، سال شانزدهم، شماره ۴، صص ۶۲-۴۵.
- دانایی‌فرد، حسن؛ باباشاهی، جبار؛ آذر، عادل؛ و کردناییج، اسدالله. (۱۳۹۴). تحقق رفاه ملی از رهگذر ارتقای ظرفیت رقابت‌پذیری ملی، **مدیریت دولتی**، سال هفتم، شماره ۲، صص ۲۵۸-۲۴۵.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ و پورجوان، عبدالله. (۱۳۹۱). رابطه حکمرانی خوب با شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورهای برگزیده، **علوم اجتماعی (فردوسی مشهد)**، سال نهم، شماره ۲، صص ۷۵-۵۳.
- شریف‌زادگان، محمدحسین؛ و قانونی، حسین. (۱۳۹۶). تحلیل رابطه حکمرانی خوب کشورها و کیفیت زندگی شهرها، **رفاه اجتماعی**، سال هفدهم، شماره ۶۶، صص ۲۲۱-۱۸۵.
- صفریان، روح‌الله؛ و امام جمعه‌زاده، سیدجواد. (۱۳۹۶). الگوی حکمرانی خوب؛ سرمایه اجتماعی و توسعه همه‌جانبه، **دولت پژوهی**، سال سوم، شماره ۱۲، صص ۱۸۱-۱۴۵.
- عباسی، حامد. (۱۳۹۲). **تبیین جایگاه حکمروایی خوب شهری در ساماندهای اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: اسلامشهر)**، رساله دکتری، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور.
- فانی، علی‌اصغر؛ حسینی، سیدیعقوب؛ دانایی‌فرد، حسن؛ و مشبکی، اصغر. (۱۳۹۰). اندازه‌گیری ظرفیت حاکمیت: مفاهیم، مدل و روش اندازه‌گیری، **پژوهش‌های مدیریت در ایران**، سال پانزدهم، شماره ۲، صص ۱۳۲-۱۰۷.
- محمدی، حسین؛ و محمودی، مهدی. (۱۳۹۷). بررسی نقش متغیرهای مؤثر بر شاخص رفاه مؤسسه لگاتوم با رویکرد لاجیت ترتیبی، **پژوهش‌های اقتصاد و توسعه منطقه‌ای**، سال بیست و پنجم، شماره ۱۵، صص ۲۰-۱.
- مرادی، ابراهیم؛ رهنکا، علی؛ و حیدریان، سمیرا. (۱۳۹۶). تاثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر کنترل فساد (مطالعه موردی: کشورهای خاورمیانه و جنوب شرق آسیا)، **اقتصاد مقداری**، سال چهاردهم، شماره ۴، صص ۱۸۲-۱۵۱.
- مهدوی‌عادل، محمدحسین؛ حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین؛ و جوادی، افسانه. (۱۳۸۷). تاثیر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای با درآمد متوسط، **دانش و توسعه**، سال پانزدهم، شماره ۲۴، صص ۱۰۶-۸۸.
- یعقوبی، اسماعیل. (۱۳۹۵). **نقش دولت الکترونیک در ارتقای شاخص‌های حکمرانی خوب با تاکید بر سلامت نظام اداری در ایران**، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- Arndt, C., Oman, C. (2008). The Politics of Governance Ratings, **International Public Management Journal**. Vol. 11, No. 3, P.p: 275-297.

- Cheema, S. G., & Maguire, L. (2002). **Democracy, Governance and Development: A Conceptual Framework**. In 4th Global Forum on Re-Inventing Government (P.p: 27-33).
- Diamond, L. (2005). **Democracy, Development and Good Governance: The Inseparable Links**. Annual Democracy and Governance Lecture. Center for Democratic Development, Accra, Ghana.
- Duncan, G. (2010). Should Happiness-Maximization be the Goal of Government?, **Journal of happiness Studies**. Vol. 11, No. 2, P.p: 163-178.
- Glatzer, W. (2006). Quality of life in the European Union and the United States of America: Evidence from comprehensive indices, **Applied research in quality of life**. Vol. 1, No. 2, P.p: 169-188.
- Helliwell, J. F., Huang, H., Grover, S., & Wang, S. (2018). Empirical Linkages between Good Governance and National Well-Being, **Journal of Comparative Economics**. Vol. 46, No. 4, P.p: 1332-1346.
- Helliwell, J. F., Huang, H., Grover, S., and Wang, S. (2014). Good Governance and National Well-Being: What Are the Linkages?, **OECD Working Papers on Public Governance**. No. 25, P.p: 1-75.
- Kaufman, A., & Englander, E. (2005). A Team Production Model of Corporate Governance, **Academy of Management Perspectives**. Vol. 19, No. 3, P.p: 9-22.
- Kaufman, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2008). **Governance Matters VII: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2007**. Development Research group, The World Bank.
- Kraay, A., Kaufmann, D., & Mastruzzi, M. (2010). **The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues**. The World Bank.
- Leung, A., Kier, C., Fung, T., Fung, L., & Sproule, R. (2013). **Searching For Happiness: The Importance of Social Capital**. In the Exploration of Happiness (P.p: 247-267). Springer, Dordrecht.
- Lintelo, D., Gupte, J., McGregor, J. A., Lakshman, R., & Jahan, F. (2017). Wellbeing and Urban Governance: Who Fails, Survives or Thrives in Informal Settlements in Bangladeshi Cities?, **Cities**. Vol. 72, No. 2, P.p: 391-402.
- Mohammed, A. M., & Strobl, E. (2011). Good Governance and Growth an Developing Countries: A Case Study of Regulatory Reforms in the Telecommunications Industry, **Journal of Industry, Competition and Trade**. Vol. 11, No. 1, P.p: 91-107.
- Mungiu-Pippidi, A. (2020). The Rise and Fall of Good-Governance Promotion, **Journal of Democracy**. Vol. 31, No. 3, P.p: 88-102.
- Selva, G. V., Pauli, N., Kim, M. K., & Clifton, J. (2020). Opportunity for Change or Reinforcing Inequality? Power, Governance and Equity Implications of Government Payments For Conservation in Brazil, **Environmental Science & Policy**. No. 105, P.p: 102-112.
- Sharma, S. D. (2007). Democracy, Good Governance, and Economic Development, **Taiwan Journal of Democracy**. Vol. 3, No. 1, P.p: 29-62.
- Simon, R. J., & Bennett, A. (2009). Happiness the World Over, **Gender Issues**. Vol. 26, No. 3-4, P.p: 183.
- Thompson, M. R. (2007). The Dialectic of “Good Governance” and Democracy in Southeast Asia: Globalized Discourses and Local Responses, **Globality Studies Journal**. Vol. 10, No. 1, P.p: 1-9.
- Tsegaw, P. C. (2020). The Nexus between Good Governance Indicators and Human Development Index in Africa: An Econometric Analysis, **Journal of Public Administration and Governance**. Vol. 10, No. 2, P.p: 119-119.
- Wagener, H. J. (2004). Good Governance, Welfare, and Transformation, **The European Journal of Comparative Economics**. Vol. 1, No. 1, P.p: 127.
- Yao, X., Watanabe, C., & Li, Y. (2009). Institutional Structure of Sustainable Development in Brics: Focusing on ICT Utilization, **Technology in Society**. Vol. 31, No. 1, P.p: 9-28.

## **The study of the role of good governance quality in public welfare (Case study: OIC and OECD member countries)**

**Seied Isaa Karimpour**

*Ph. D Student in Sociology, Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Khalkhal, Iran.*

**Samad Abedini**

*Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Khalkhal, Iran (corresponding Author). E-mail: samadabedini@aukh.ac.ir*

**Eghbaleh Aziz Khani**

*Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Khalkhal, Iran.*

One of the influential factors that differentiate between countries is welfare index. The promotion of public or national welfare is affected by various factors. In new development approaches, a model of good governance has been proposed to improve the national welfare. Therefore, the aim of this research is to study the impact of good governance on national welfare. The research method is secondary analysis and the available data of the good governance of the World Bank and the Legatum prosperity index have been used. The statistical population of the study includes the member countries of the Organization of Islamic Cooperation (41 countries) and members of the Organization of Economic Cooperation and Development (29 countries). SPSS software and Pearson correlation and regression tests were used to analyze the data. Findings indicate that, in both types of countries, there is a significant direct correlation between good governance and national welfare; Thus, the intensity of correlation in the member countries of the OECD is higher than that of the member countries of the OIC. Also, after controlling the alignment between the six dimensions of good governance, among the member countries of the Organization of Economic Cooperation and Development, it was proved that the dimensions of corruption control and the quality of laws and regulations have a significant direct impact on national welfare so that, these two variables have been able to explain 90% of the changes in national welfare. But among the member countries of the Organization of Islamic Cooperation, only the dimension of efficiency and effectiveness of the government has had a significant direct impact on national welfare. Also, it was found that the efficiency and effectiveness of the government could explain 74% of the changes in national welfare.

**Key words: Good Governance, Public Welfare, Organization of Islamic Cooperation, Organization of Economic Cooperation and Development.**